



پیشوند فعلی -â در زبان گیلکی

The Verbal Prefix â- in the Gilaki Language

Jahandoost Sabzalipour¹, Zahra Hamideh Osmavandani²

¹ Associate Professor, Persian language and literature, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran. Corresponding author: sabzalipor@gmail.com

² MA in General Linguistics, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran.

جهاندوست سبزلعی پور^۱، زهرا حمیده عثمانوندانی^۲

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران. نویسنده مسئول: sabzalipor@gmail.com

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران.

چکیده

یکی از روش های واژه سازی در هر زبانی، استفاده از پیشوند اشتقاقی فعل است؛ پیشوندی که به ابتدای فعل افزوده می شود و معنایی تازه به آن می بخشد. در زبان های ایرانی، پیشوندهای اشتقاقی افعال بسیار پرکاربرد هستند. در زبان گیلکی نیز از دیرباز افعال پیشوندی متعددی رواج داشته اند. امروزه در افعال اسنادی و مرکب گیلکی، که از فعل های پیشوندی ساخته می شوند، ونندی وجود دارد که اغلب در دستور زبان های گیلکی به آن اشاره ای نشده و در فرهنگ های گیلکی نیز این وندها به جای پیوستن به بخش فعلی، به بخش غیرفعلی متصل شده است. برای نمونه، «سرد آکودن» به صورت «سردا کودن» نوشته می شود. برخی نویسندگانی که این وندها را به درستی نشناخته اند، در توصیف این ساخت دست به توجیهاتی متفاوت زده اند. این پژوهش با بهره گیری از روش های اسنادی و میدانی، به بررسی این نوع افعال در فرهنگ های گیلکی می پردازد و ضمن مقایسه با زبان های هم جوار (مازندرانی، سمنانی، تاتی و تالشی)، نشان می دهد افعالی که در گیلکی با این وندها می روند، غالباً همان هایی هستند که در زبان های همسایه با پیشوند -â استفاده می شوند. با شناسایی دقیق این وندها، امکان اصلاح شیوه ثبت آن در متون و فرهنگ لغت های گیلکی فراهم خواهد شد.

Abstract: One of the common methods of word formation in any language is the use of verbal derivational prefixes that are added to the beginning of verbs to create new meanings. In Iranian languages, such prefixes are widely used. In the Gilaki language prefixed verbs have also been prevalent since early times. Today, in Gilaki copular and compound verbs being formed by such prefixes, there exists a morpheme that is often overlooked in Gilaki grammar. In Gilaki dictionaries, this morpheme is frequently attached to the non-verbal part rather than the verb itself. For example, sard akudan is written as sarda kudan. Some authors, unaware of the true nature of this morpheme, have offered various explanations for such constructions. This study, using both documentary and field methods, traces these types of verbs in Gilaki dictionaries and, through comparison with neighboring languages (Mazandarani, Semnani, Tati, and Talysh), shows that the verbs in Gilaki using this morpheme often correspond to the same verbs in the mentioned languages that employ the a- prefix. Recognizing this morpheme will allow for more accurate documentation in Gilaki texts and dictionaries.

اطلاعات مقاله

تاریخ ها

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

واژگان کلیدی

زبان گیلکی

پیشوند فعلی

پیشوند -â

زبان های حوزه کاسپین

بررسی تطبیقی

History

Received: March 30, 2025

Accepted: June 02, 2025

Keywords

Gilaki language

Verbal prefix

a- prefix

Caspian languages

Comparative analysis

۱. مقدمه

یکی از راه‌های واژه‌سازی در زبان‌های ایرانی، استفاده از پیشوند اشتقاقی فعل است که به ابتدای فعل افزوده می‌شود و معنایی تازه به آن می‌بخشد. این نوع از واژه‌سازی که در گذشته بسیار کاربرد داشته، امروزه جای خود را به فعل مرکب داده است؛ با این حال، هنوز در شمار زیادی از زبان‌های ایرانی، فعل پیشوندی در کنار فعل‌های مرکب به حیات خود ادامه می‌دهد.

زبان‌های ایرانی که در سراسر پهنه فرهنگی ایران رواج داشته و دارند، همچون میراثی کهن، ارزش بسیاری دارند. گویش‌های ایرانی به دلیل آن‌که مانند زبان فارسی از پشتوانه درباری و حکومتی برخوردار نبوده‌اند، یا منابع مکتوب کهن ندارند یا اگر دارند بسیار اندک‌اند؛ با این حال، گاه قدمت برخی از این گویش‌ها بسیار زیاد است و عناصر زبانی کهنی را در خود نهفته دارند که امروزه برای انجام مطالعات زبانی و گویشی بسیار درخور توجه‌اند.

شاخه زبان‌های حوزه کاسپین و نیز زبان‌های ایرانی شمال‌غربی، از زبان‌هایی هستند که به نظر محققان، بازمانده زبان مادی یا پارتی هستند (نک. یارشاطر، ۱۳۵۴). دلیل عمده این نظر آن است که اولاً زبان‌های این شاخه کمتر به زبان فارسی شباهت دارند، و ثانیاً نمی‌توان پذیرفت زبان امپراتوری مادها (که ۱۵۰ سال) و اشکانیان (که بیش از ۴۷۱ سال بر این پهنه حکومت کرده‌اند) به‌کلی نابود شده باشد. به هر روی، این شاخه از زبان‌های ایرانی، که شامل چندین زبان بزرگ ایرانی از جمله گیلکی، تالشی، آذری، تاتی، مازندرانی، بلوچی، کردی، سمنانی و دیگر زبان‌ها می‌شود، بسیار درخور توجه است و تحقیقات فراوانی نیز درباره آن‌ها صورت گرفته است.

زبان گیلکی از زبان‌های شاخه حوزه کاسپین است که در گستره‌ای از استان‌های گیلان و مازندران رواج دارد. این زبان به سه گونه غربی (مانند گونه‌های صومعه‌سرای، فومنی، شفتی و ...)، مرکزی (گونه‌های رایج در رشت، خمام، کوچصفهان، انزلی) و شرقی (مانند گونه‌های لاهیجانی، رودسری، لنگرودی، رامسری) تقسیم شده است. این تقسیم‌بندی‌ها در منابع مختلف با اختلافات جزئی آمده است (نک. لُکوک، ۱۳۸۳: ۴۹۰-۸۹؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

«گیلکی، مانند بسیاری از گویش‌های دیگر رایج در محدوده جغرافیایی ایران، به‌سبب ارتباط روزافزون گیلک‌زبانان با فارسی‌زبانان و تأثیر فراوان زبان رسمی از طریق گسترش رسانه‌های گروهی، به‌تدریج در حال از دست دادن اصالت زبانی خویش است و بسیاری از لغات اصیل این گویش جای خود را به لغات زبان فارسی داده است» (حسن‌دوست، ۱۳۸۰: ۱۶۲). هدف از این مقاله، معرفی یکی از پیشوندهای فعلی در زبان گیلکی است. این پیشوند، که از دوره ایرانی باستان در زبان‌های ایرانی رایج بوده، هنوز هم در تعداد زیادی از این زبان‌ها — از جمله زبان گیلکی — رواج دارد. از آن‌جایی که این پیشوند در گیلکی به اندازه زبان‌های مجاور خود (مانند مازندرانی، تالشی و تاتی) شناخته‌نشده است، آسیب‌های بسیاری به مطالعات گویش‌شناسی وارد کرده است؛ به‌طوری‌که دیدگاه‌های نادرستی در مورد آن بیان شده و گویشوران نیز هنگام نوشتن، آن را به شیوه‌هایی می‌نویسند که نه‌تنها شناسایی آن را دشوارتر می‌سازد، بلکه اصالت این بخش از زبان را پنهان نگه‌داشته است. پرسش‌های این تحقیق آن است که:

آیا پیشوند فعلی) -â و گونه‌های دیگر آن مانند -a ، (-u در زبان گیلکی وجود دارد؟

اگر وجود دارد، در چه بافت‌هایی به‌کار می‌رود و دلیل پیشوند بودن آن چیست؟

نتیجه تحقیق نشان داد که تقریباً ۳۰ درصد از افعال مرکب و عبارات فعلی در فرهنگ‌های گیلکی دارای پیشوند -â هستند، و آن دسته از فعل‌هایی که در زبان‌های مجاور (مانند تاتی و تالشی) با پیشوند -â همراه‌اند، غالباً همان‌هایی هستند که در گیلکی نیز با این پیشوند به‌کار می‌روند.

۲. روش کار

روش این تحقیق به این صورت بوده است که ابتدا ترکیب‌ها، عبارات و بافت‌هایی که پیشوند -â در آن‌ها به کار رفته، شناسایی و بررسی شده‌اند. سپس، هر مورد به صورت جداگانه تحلیل شده تا مشخص شود که آیا این عنصر واقعاً یک پیشوند فعلی است یا خیر. برای انجام این تحلیل، علاوه بر روش توصیفی، از روش تطبیقی نیز بهره گرفته شده است؛ به این معنا که ساخت‌های مورد نظر با زبان‌های مجاور گیلکی، یعنی تالشی، تاتی، مازندرانی و سمنانی، مقایسه شده‌اند. در این پژوهش، همهٔ افعال مرکب رایج (که فاقد پیشوند -â هستند)، به همراه افعال مرکب و عبارات فعلی‌ای که در آن‌ها این پیشوند به کار رفته، استخراج و بررسی شده‌اند. در گام بعد، فهرستی گسترده از افعال و عباراتی که در زبان‌های تالشی و تالشی با پیشوند -â به کار رفته‌اند، گردآوری شده تا روشن شود آیا افعالی که در گیلکی دارای این پیشوند هستند، در زبان‌های همسایه نیز به همین صورت دیده می‌شوند یا خیر. در این تحقیق از داده‌های میدانی فراوانی نیز استفاده شده است؛ و یکی از نویسندگان مقاله، خود از گویشوران بومی زبان گیلکی است.

۳. یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق در چند بخش تنظیم شده و در ادامه هر بخش جداگانه در جای خود خواهند آمد.

۳-۱. پیشینهٔ تحقیق

در مورد پیشوند اشتقاقی یا پیشوند فعلی -â در زبان گیلکی به سه دسته پژوهش می‌توان دست یافت:

دستهٔ اول پژوهش‌هایی است که پیشوندهای گیلکی را بررسی کرده ولی به این پیشوند برخورد نکرده‌اند و درباره‌اش چیزی نوشته‌اند. مانند: کریستن سن (۱۳۷۴: ۴۴)؛ سرتیپ‌پور (۱۳۶۹)؛ (البته سرتیپ‌پور در همان اثر، افعال زیادی را ثبت کرده که این پیشوند در آنها وجود دارد. مانند: آب آبوستن (آب شدن، ص ۱۱۱)، آتش آگیتن (آتش گرفتن، ص ۱۱۲)، اویر آکودن (گم کردن، ص ۱۲۸)؛ سمیعی گیلانی (۱۳۸۱: ۲۸۵-۲۹۹) در مقاله «پیشوندهای فعلی در گویش گیلکی و راه‌های بازشناسی آن»، سرمست (۱۳۷۱: ۱۰۳) و بخش‌زاد محمودی (۱۳۸۵) در دستور زبان گیلکی به این پیشوند اشاره‌ای نکرده‌اند.

دستهٔ دوم، پژوهش‌هایی هستند که به این پیشوند در زبان گیلکی اشاره‌ای کرده‌اند و آن را احتمالاً بازماندهٔ یک پیشوند قدیمی و باستانی می‌دانند که هنوز هم در بافت‌هایی فعال است. شکری (۱۳۸۰: ۱۵۹-۱۶۸)، در این زمینه نظرات عده‌ای از محققین را رد کرده، اما دربارهٔ این پیشوند توضیحات کافی ارائه نکرده‌است. کلباسی (۱۳۷۱)، این‌وند را یک پیشوند فعلی می‌داند که قابل مقایسه با -hâ, -ha در زبان‌های مجاور همچون مازندرانی است. سبزی‌پور (۱۳۹۱ الف: ۲۷۸)، آن را پیشوند فعلی در زبان گیلکی معرفی کرده‌است.

دستهٔ سوم پژوهش‌هایی است که به این پیشوند برخورد کرده‌اند ولی آن را پیشوند نمی‌دانند. مانند راستارگویا و همکاران (۲۰۱۲) که آن را ادات جداپذیر فعل مرکب دانسته‌است، اما مشخص نکرده‌است که «ادات جداپذیر» دقیقاً یعنی چه و کارکردشان چیست؟ سرمست (۱۳۷۱: ۱۰۳) نیز در این زمینه معتقد است در فعل مرکب گاه عنصر غیرفعلی همراه با -â یا -a به فعل می‌پیوندند، اما به پیشوند بودنش تصریح نکرده‌است. در این مقاله تلاش شده است این‌وند از چند زاویه بررسی شود، تا جنبه‌های مختلف موضوع بیشتر روشن شود.

۳-۲. پیشوند ā در زبان‌های ایرانی

در زبان‌های ایرانی از آغاز، پیشوندهای فعلی بسیاری به کار رفته‌اند و این پدیده در دوره‌های مختلف دچار تحولاتی نیز شده است؛ با این حال، هیچ‌گاه این تحولات باعث از میان رفتن این پیشوندها نشده‌اند. برای نشان دادن این موضوع، در ادامه به‌طور گذرا مثال‌هایی از پیشوندهای فعلی در زبان‌های ایرانی باستان (مانند اوستایی و فارسی باستان) ارائه خواهد شد. همچنین برای تبیین وضعیت این پیشوندها در دوره میانه، نمونه‌هایی از پیشوندهای فعلی در زبان فارسی میانه (پهلوی) ذکر خواهد شد.

۳-۲-۱. پیشوندهای فعلی دوره زبان اوستایی

در زبان اوستایی پیشوندهای بسیاری به کار می‌رفت (نک. Jackson, 2004: 204). مانند: ā- (به، به سوی)، aibi-/aiwi- (به، به سوی، برابر، علاوه‌بر)، aiti- (بر روی، آن سوی، ماورا)، a*tarə- (میان)، anu- (در طول)، apa- (دور)، ava-/avā- (دور، پایین، بر)، avi- (به سوی، بر)، frā- (پیش، جلو)، haṃ-/haṇ- (هم، با)، nī- (پایین، زیر)، niš-/niž- (کنار، دور، بیرون، جلو)، paiti- (علیه، مقابل، به پشت)، para- (دور، بیرون)، parā- (همراه، کنار، پیش)، upa- (به، به سوی، بالا)، upairi- (بر، بالا)، uz-/us- (بر، جلو، بالا، بیرون)، vī- (دور، جدا). مثال‌هایی از پیشوند اوستایی (نک. همان):
پیشوند **ni-** + mrav- (گفتن) ← nimruyē «چیزی را با خود گفتن». پیشوند **api-** + vat- (دریافتن، آشنا بودن) ← apivatahe «درمی‌یابی» فعل مضارع دوم شخص مفرد ناگذر.
پیشوند **pa'ri-** + var- (پوشیدن) ← pairivərənu- با پیشوند-pa'ri- «گوش را مسدود کردن».

۳-۲-۲. پیشوندهای فعلی فارسی باستان

پیشوندهای زبان فارسی باستان به شرح زیر هستند (نک. Kent, 1953: 70):
ā- (به، به سوی)، abi- (به، به سوی، برابر، علاوه‌بر)، apa- (دور)، ati- (بر روی، آن سوی، ماورا)، ava- (دور، پایین، بر)، frā- (پیش، جلو)، ni- (پایین، زیر)، nij- (کنار، دور، بیرون، جلو)، parā- (همراه، کنار، پیش)، pati- (علیه، مقابل، به پشت)، ud- (بر، جلو، بالا، بیرون)، upa- (به، به سوی، بالا)، upari- (بر، بالا)، vi- (دور، جدا).
نمونه‌هایی از پیشوندهای فارسی باستان همراه با ذکر مثال از هر کدام (همان):
پیشوند **upa-** + ay- (رسیدن) ← [u]pāyam فعل ماضی اول شخص مفرد گذرا؛
پیشوند **abi-** + jav- (پیش بردن، به جلو راندن) ← abiyajāvayam ماضی اول شخص مفرد گذرا؛
پیشوند **ati-** + ay- (گذشتن) ← atiyāiš فعل ماضی سوم شخص مفرد گذرا؛
پیشوند **ā-** + gam- (آمدن) ← ājamiyā فعل تمنایی سوم شخص مفرد گذرا.

۳-۲-۳. پیشوندهای دوره میانه

تعداد پیشوندهای دوره میانه به مقدار پیشوندهای دوره باستان نیست، بیشتر پیشوندها از بین رفته‌اند، چند پیشوند به صورت مرده در کلمات زیر دیده می‌شوند (نک. ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۸۳):
ā- در āmad (آمد در فارسی دری)؛
apa- ← ab- در ab-gan (فارسی دری «افگن»، ماده مضارع افگندن)؛
upa- ← ab- در ab-zāy (فارسی دری «افزای» ماده مضارع افزودن)؛
ni- در ni-šast (فارسی دری «نشست» ماده ماضی نشستن)؛

wi- در wi-dardan (فارسی دری «گذردن»).

پیشوندهای فعلی دوره میانه ممکن است در معنی فعل تغییری ایجاد نکنند و تنها برای تأکید باشند. پیشوندهای فعلی زنده دوره میانه (همان):

ul- (بر)، pēs (پیش)، frōd (فرو)، frāz (فراز)، ēr (زیر)، andar (در، اندر)، abāz (باز، دوباره) abar (بر، بالا). کلمات andar, abar, frāz و bē که نقش قیدی دارند، گاه به صورت پیشوند فعلی نیز به کار می‌روند و در معنی یا جهت فعل تغییر معنایی می‌دهند: bē šud «بیرون رفت» (به طرف بیرون رفت).

۳-۳. پیشوندهای فعلی در زبان‌های ایرانی نو

همان‌طور که در مباحث مربوط به پیشوند در زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه گذشت، زبان‌های ایرانی از جمله زبان‌هایی هستند که با پذیرش پیشوند، فعل تازه‌ای می‌سازند. در کمتر زبانی از زبان‌های ایرانی می‌توان موردی یافت که پیشوند فعلی در آن به کار نرفته باشد. در زبان فارسی، چه فارسی کهن و چه فارسی نو، این موضوع آن‌چنان مشهود است که با نگاهی گذرا، می‌توان پیشوندهایی چون اندر، باز، بر، در، فرا، فراز، فرو، فرود، وا، و واز را تشخیص داد (برای مثال‌های بیشتر، نک. رضایتی کیشه‌خاله و دیان، ۱۳۸۸: ۲۷-۵۰).

«زبان‌های ایرانی در گذر از دوره باستان به دوره میانه، اغلب پیشوندهای فعلی خود را از دست دادند؛ چنان‌که در فارسی میانه (پهلوی) و پارتی، پیشوندهای فعلی ایرانی باستان کاملاً متروک شدند یا تمایز معنایی و دستوری خود را از دست داده، به صورت جزئی مرده، در ساختار برخی از فعل‌های ساده، عیناً و گاه با تحولات آوایی حفظ شدند» (همان: ۲۹).

در گویش‌های ایرانی، به‌ویژه گویش‌های ایرانی حوزه کاسپین که به‌نوعی از زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی به شمار می‌آیند، پیشوندهای فعلی بسیاری رواج داشته و همچنان دارند. در این پژوهش، تلاش می‌شود تنها مثال‌هایی از زبان‌های گیلکی، سمنانی، مازندرانی، تالشی و تاتی ذکر شود. هدف از آوردن مثال‌هایی از این زبان‌ها آن است که این زبان‌ها جزئی از شاخه زبان‌های حوزه کاسپین هستند و در شناخت زبان گیلکی، یاری‌رسان محقق خواهند بود.

همان‌گونه که خلأهای زبان اوستایی از طریق زبان سنسکریت تکمیل می‌شود و شناخت زبان اوستایی بدون آشنایی با سنسکریت دشوار خواهد بود، شناخت زبان گیلکی نیز بدون توجه به زبان‌های هم‌جوار دشوار است. چراکه امروزه، به دلیل شباهت‌های فراوان گیلکی رشتی با زبان فارسی، برخی چنین می‌پندارند^۱ که این دو زبان از یک شاخه‌اند، حال آنکه زبان فارسی از شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی است و زبان گیلکی، همان‌گونه که گفته شد، از زبان‌های شمال غربی به شمار می‌رود.

در ادامه، ابتدا پیشوندهای فعلی در زبان‌های سمنانی، مازندرانی، تاتی و تالشی معرفی خواهد شد و سپس پیشوندهای فعلی در زبان گیلکی ارائه می‌شود تا نشان داده شود که پیشوند -ā تا چه اندازه در این زبان‌ها پربسامد است.

^۱ نکته‌ای که این گروه را به چنین تصویری رسانده، دگرگونی‌های گویش رشتی رایج در شهر رشت است. این گویش، به دلیل گردشگرپذیر بودن، بسیاری از اصالت‌های زبانی خود را از دست داده و به سوی زبان معیار فارسی متمایل شده است. این در حالی است که گویش‌های دیگر، به‌ویژه گویش‌های شرقی که در مناطق کوهستانی رواج دارند، از اصالت زبانی بیشتری برخوردارند؛ به‌گونه‌ای که اگر فردی غیربومی در رشت زندگی کند و با گویش رشتی آشنا شود، تا حدی که بتواند گفت‌وگوی روزمره را درک کند، برای برقراری ارتباط با گیلک‌زبانان شرق گیلان، به یک مترجم نیاز خواهد داشت.

۳-۳-۱. پیشوندهای فعلی زبان سمنانی

زبان سمنانی از زبان‌هایی است که اغلب محققین آن را در کنار زبان‌های حوزه کاسپین طبقه‌بندی کرده‌اند (نک. اشمیت: ۱۳۸۳-۴۸۹: ۴۹۰). این زبان شامل سرخه‌ای، لاسگردی، افتری، سنگسری، و بیابانکی است. پیشوندهای فعلی سمنانی عبارتند از: *vā-, hā, du-, dā-,* (کریستن سن، ۱۳۸۹: ۵۹). پیشوندهای سرخه‌ای عبارتند از: *hi-, de-, ha-, dü-, var-* *vā-* (فخرو و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۱۰۹).

۳-۳-۲. پیشوندهای فعلی زبان مازندرانی

زبان مازندرانی به سه دسته شرقی شامل ساروی، قایم‌شهری، بابلی، آملی، فریدون‌کناری، و محمودآبادی؛ گویش شهرهای نوشهر، چالوس، کلاردشت؛ و نیز دسته غربی شامل تنکابن، رامسر، نشتارود، تقسیم شده است (شکری، ۱۳۸۵: سیزده). در این پژوهش به دلیل ارتباط بیشتر دسته غربی مازندرانی، پیشوندهای این شاخه از مازندرانی مطابق نوشته شکری (۱۳۸۵) ذکر می‌شود. پیشوندهای فعلی گویش رامسری^۲ از زبان مازندرانی عبارتند از: پیشوند *dar-* (و گونه‌های *da-, do- du-, de-*)، پیشوند *ha-* و گونه *he-*، پیشوند *var-* (و گونه‌های *va-, vo-, vā-*، *vu-*، پیشوند *fo-* و گونه‌های *fe-, fu-*).

۳-۳-۳. پیشوندهای فعلی زبان تالشی

زبان تالشی گونه‌های مختلفی دارد و به طور کلی به سه دسته مختلف، تالشی شمالی، تالشی جنوبی و تالشی مرکزی تقسیم شده است. در این بخش فقط پیشوندهای دو گونه از تالشی در زیر ذکر می‌شود. پیشوندهای فعلی زبان تالشی مرکزی به شرح زیر هستند: *bar-, ji-, vi-, â-, da-, pe-* (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۵۷). پیشوندهای فعلی تالشی جنوبی عبارتند از: *ba-, ji-, vi-, â-, da-, pe-, ru-, vi-* (نصرتی سیاهمزی، ۱۳۹۶: ۱۷).

۳-۳-۴. پیشوندهای فعلی زبان تاتی

زبان تاتی در نواحی مختلف ایران رایج است. در این‌جا از گونه‌های تاتی رودباری، تاتی تاکستانی و تاتی خلخال که ارتباط بیشتری با زبان گیلکی دارند، مثال‌هایی ذکر می‌شود. لغت‌نامه‌های تاتی رودبار لبریز از افعال با پیشوند *â-* هستند. مثلاً: *âš* *âbeyen* (آش شدن، *âv âbeyen* (آب شدن)، (نک. برهانی، ۱۳۹۶: عزیزاده جوبنی، ۱۳۸۹). تاتی رودباری گونه انبوهی (*anbuhi*) نیز که از دورترین گونه‌های تاتی است، این پیشوند را داراست. پیشوندهای این گونه عبارتند از: *ji-, jâr-, vâ-,* *da- bar-* (*â-, ji-, bar-, da-, pe-, e-* (سبزعلی‌پور، ۱۳۸۹: ۹۲)، پیشوندهای فعل در زبان تاتی خلخال، گونه دروی، عبارتند از: *â-, ji-, bar-, da-, pe-, e-* (سبزعلی‌پور، ۱۳۹۱ الف: ۵۷). در تاتی اطراف قزوین نیز این پیشوند بسیار فعال است. طبق نوشته رحمانی (۱۳۹۶: ۷۲) این پیشوند *â-* در چالی، تاکستانی، خیارچی، ابراهیم‌آبادی، سگزآبادی، دانسفهانی، اسفرورینی، خوزینی رایج است. یارشاطر نیز به وجود این پیشوندها در تاتی اطراف قزوین اشاره کرده‌است (Yarshater, 1969: 186-192).

^۲ بسیاری از مردم مازندران به ویژه در نواحی غربی که متصل به استان گیلان است، زبان خود را گیلکی می‌نامند. برای توضیحات بیشتر در این زمینه نگاه کنید به ذاکری، ۱۳۸۷، صص ۳۳-۶۴.

۳-۳-۵. پیشوندهای فعلی زبان گیلکی

کریستن سن^۳ پیشوندهای فعلی واژگانی زبان گیلکی رشت را چنین شمرده است: fa-/ fâ-/ var/ vir-, dar-/da-/ du-, fu-, va-, u-, ta-, (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۴۴). استیلو (۲۰۱۸: ۷۱۳) پیشوندهای فعلی گیلکی را بر مبنای گونه لاهیجانی چنین نوشته است: d(v)-, f(v)-, v(v)-, ha-. استیلو در تحقیق دیگری، پیشوندهای فعلی زبان گیلکی غربی را چنین آورده است: dâ-/ di-, du, fa-, fâ-, fi- fu-, jâ- ji-, ju-, va- vi- (و پیشوندهای نادر (a-, i-, u-, ča, ču- ta-، گیلکی شرقی: dâ-, u-, ha-, va-, vi- (و پیشوندهای نادر (čâ-, ta- (استیلو، ۲۰۰۱: ۶۶۴). راستارگویا و همکاران^۴ (۲۰۱۲: ۱۲۳-۱۲۱) درباره زبان گیلکی که به گفته خودشان بیشتر بر مبنای زبان گیلکی رشت نوشته شده است، پیشوندهای گیلکی را چنین برشمرده اند: da-/ dâ-/ di-, fa-/ fu-, va-, ta-, čâ-, u-.

آنچه تا این بخش از مقاله ذکر شد، گذری بود بر پیشوندهای فعلی ایرانی باستان، میانه و نیز دوره نو. در این پژوهش از گویش های ایرانی نو، شواهدی از پیشوندهای فعلی زبان های حوزه کاسپین ذکر شد. تا اینجا مشخص شد که در زبان های ایرانی، از دوره باستان یک پیشوند -â جود داشته که به نوعی معنای «به سوی خود بردن و نزد خود آوردن» است. یعنی گوینده حرکتی را به طرف خود انجام می دهد. مانند پرکردن خاک یک چاله با کشیدن خاک به طرف خود و ریختن در چاله، یا فعل آوردن که در آن چیزی به طرف متکلم آورده می شود. یا فعل به آغوش گرفتن (kaš âgitan) در زبان گیلکی که فعل با حرکت به طرف خود انجام می شود. در افعالی از زبان فارسی، مانند: آکندن یا آگندن (نک. حسن دوست، ۱۳۹۳: ج. ۱، ۹۵)، آمدن (همان: ۱۱)، آموختن (همان: ۱۱۴)، آمیختن (همان: ۱۱۵)، آوردن (همان: ۱۲۵)، آویختن (همان: ۱۲۸)، این پیشوند و معنای تقریبی آن باقی مانده است.

همان طور که در مطالب بالا مشاهده می شود، هم از منظر مطالعات در زمانی و هم از نظر مطالعات تطبیقی اگر به این پیشوند نگاه کنیم، وجودش محرز است و اگر بخواهیم با روش میدانی سری به کوچه و خیابان های شهرهای گیلکی زبان بزنیم، افعال بسیاری با این پیشوند (مانند: vel âkun (اجازه بده، ولم کن)، sard âbu (سرد شد)، narm âbu (نرم شد) به گوش می خورند. اما سؤال این جاست که چرا در بعضی از پژوهش ها به این امر اشاره ای نشده است؟ در ادامه بحث تلاش خواهد شد در مورد پیشوند مذکور در گیلکی شواهدی ذکر شود تا نشان داده شود که این پیشوند در زبان گونه های مختلف گیلکی، با اندک اختلاف آوایی رایج است.

برای آشنایی با افعالی که این پیشوند را در خود جای داده اند، نخست افعالی با این پیشوند از تالشی و تاتی ذکر خواهد شد تا مشخص شود که این پیشوند چه قدر پربسامد است و پیشوندی با این بسامد بالا در این منطقه، نمی تواند از گیلکی محو شود، چون هم در سمت شرق گیلان، به عنوان نمونه در این مقاله رامسر؛ هم در جنوب استان گیلان در زبان تاتی اطراف

^۳ کریستن سن در معرفی بعضی از این پیشوندها دچار اشتباه شده است. مثلاً ta- را در tavadan (پرتاب کردن) پیشوند دانسته است، ولی این فعل مرکب است و صورت درستش tav adan است. دلیلی که برای پیشوندی دانستن این فعل اعلام کرده این است که «این افعال پیشوند be- نمی گیرند» (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۴۴). دلیل این که این فعل be- نمی گیرد این است که این فعل پیشوندی است. ایشان اگر این فعل را درست می نوشتند، حتماً متوجه پیشوندی بودنش می شدند.

^۴ اشتباه فوق را راستارگویا و همکاران (۲۰۱۲) و استیلو (۲۰۰۱) نیز مرتکب شده اند. به احتمال قوی چنین اشتباهی از روی کتاب کریستن سن وارد کتاب راستارگویا و همکاران و تحقیق استیلو شده است. علاوه بر این مورد، راستارگویا و همکاران، -čâ را در Čakudən یک پیشوند فعلی دانسته اند. این نیز درست نمی نماید. Čâ در این فعل همان Čak (درست، خوب) است که به دلیل حضور یک واج -k- واج دیگر حذف شده است. درست مانند «قندان» در زبان فارسی که یک واج حذف شده است. چاک آکودن یعنی درست کردن، تعمیر کردن، در شکل سریع چاکودن تلفظ می شود. این فعل در گویش های شرقی گیلان به صورت چاودن Ča ʔudən تلفظ می شود.

قزوین؛ هم در جنوب غربی این استان در رودبار؛ و هم در غرب و شمال غرب این استان، در زبان‌های تالشی و تاتی خلخال این پیشوند به کار می‌رود.

۳-۴. پیشوند فعلی -â در زبان تالشی مرکزی و تالشی جنوبی

در این بخش نخست تعدادی از افعالی که پیشوند فعلی -â دارند، در دو گونه تالشی ذکر خواهد شد. منظور از شکل غیرمرکب در جدول زیر آن است که این پیشوند در بافتی غیر از افعال مرکب و اسنادی هم کاربرد دارد.

جدول ۱: پیشوندهای فعلی تالشی مرکزی (مثال‌ها از رضایتی کیشه‌خاله و خادمی ارده، ۱۳۸۷ است)

شکل غیرمرکب		شکل مرکب	
مصدر	معنی	مصدر	معنی
â. gardæste	برگشتن	bu â. karde	بو کردن
â. lište	فرالایسیدن	tirij â. karden	تیز کردن
â. gârdænæste	برگرداندن	râst â. karde	بلند کردن
â. sute	سوزاندن	tâv â. due	پرتاب کردن
â. gate	جدا کردن	kaša â. gate	به آغوش گرفتن

جدول ۲: پیشوندهای فعلی تالشی جنوبی (مثال‌ها از نصرتی سیاه‌مزگی، ۱۳۹۶ است)

شکل غیرمرکب		شکل مرکب	
مصدر	معنی	مصدر	معنی
â. garden	برگشتن	bu â. karden	بو کردن
â. lišten	فرالایسیدن	təri â. karden	تیز کردن
â. gârdænden	برگرداندن	râst â. karden	بلند کردن
â. süten	سوزاندن	tâv â. duen	پرتاب کردن
â. geten	جدا کردن	kaša â. geten	بغل کردن

جدول ۳: پیشوندهای فعلی تاتی دروی (مثال‌ها از سیزعلی پور، ۱۳۹۱ ب است)

شکل غیرمرکب		شکل مرکب	
مصدر	معنی	مصدر	معنی
â. gardæsen	برگشتن	bu â. karden	بو کردن
â. læsten	فرالایسیدن	təri j â. karden	تیز کردن
â. gârdânæsen	برگرداندن	râst â. karden	بلند کردن
â. suten	سوزاندن	tâv â. dân	پرتاب کردن
â. gardæsen	جدا کردن	kaša â. gaten	هموار شدن

جدول ۴: پیشوندهای فعلی تاتی رودباری (مثال‌ها از علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹ است)

شکل غیر مرکب		شکل مرکب	
مصدر	معنی	مصدر	معنی
â. gardəstan	برگشتن	bu â. kordan	بو کردن
â. ləştan	فرالیسیدن	tij â. kordan	تیز کردن
â. gərdoniyan	برگرداندن	râst â. kordan	بلند کردن
â. sutan	سوزاندن	tâv â. diyan	پرتاب کردن
â. gardəstan	برگشتن	kašə â. gitan	در آغوش گرفتن

در چهار جدول بالا تعداد ده مثال (پنج مثال از شکل‌های پیشوندی تنها یا غیرمرکب و پنج مثال هم به صورت پیشوندی مرکب) ذکر شده است، این شواهد دو نکته را به خوبی نشان می‌دهند:

- ۱- پیشوند مورد نظر، یعنی -â در زبان‌های تالشی و تاتی اطراف قزوین و نیز در گونه‌های مختلف آن، رایج است.
 - ۲- تعداد افعال خاصی در این زبان‌ها با پیشوند -â به کار می‌روند، و این افعال خاص در اغلب این گونه‌ها تقریباً یکسان هستند. یعنی در چهار گونه زبانی فوق تمام ده مثال، با پیشوند -â به کار رفته‌اند. این نشان می‌دهد که افعالی مثل «بغل گرفتن»، «بلند کردن»، «الیسیدن» نه با پیشوندی دیگری، بلکه با پیشوند -â به کار می‌روند.
- در زیر شواهدی از پیشوند -â در زبان گیلکی مناطقی که در کتاب‌های فرهنگ لغت آمده‌است، ذکر می‌شود.

جدول ۵: پیشوندهای فعلی گیلکی در منابع مختلف

منبع	مصدر	معنی
فرهنگ واژه‌های گیلی (بخش زاد محمودی)	pilli â. kudan	بزرگ کردن
	tamân â. kudan	تمام کردن
	râst â. kudan	بلند کردن
	tâv â. dan	پرتاب کردن
	fu â. kodan	ورم کردن
فرهنگ گیلکی (منوچهر ستوده)	avir â. bostan	گم شدن
	pâk â. kudan	پاک کردن
	tur â. bustan	مات و حیران شدن
	jot â. bon	دچار لکنت شدن
	pit â. bon	کج شدن
فرهنگ بوسار (مرادیان گروسی)	toxš â. kudan	تقسیم کردن
	kašk â. bustan	لوس شدن
	râst â. giftan	بلند کردن
	sabz â. kudan	سبز کردن
	lisk â. kudan	لوس کردن
فرهنگ واژه‌های گیلکی (جهانگیر سرتیپ‌پور)	pas â. daʔan	پس دادن
	pilla â. kudan	بزرگ کردن
	vâhil â. bustan	ناامید شدن
	šəkam â. gitan	باردار شدن
	kolk â. bostan	کرچ شدن مرغ
واژه‌نامه گویش گیلکی (احمد مرعشی)	xit â. bostan	خیت و ضایع شدن

آنچه تا بدین جا معلوم شد، این بود که پیشوند مذکور در تعداد زیادی از فعل‌های گیلکی باقی مانده‌است و با این وجود در تعدادی از منابع به آن اشاره‌ای نشده است. در زیر دلایل پیشوند بودن $\hat{a}$ - ذکر می‌شود.

۳-۵. دلایل پیشوند بودن $\hat{a}$ - در زبان گیلکی

در زیر دلایلی ساختوازی، نحوی، تطبیقی و تاریخی برای پیشوند فعلی بودن $\hat{a}$ - ذکر می‌شود.

۳-۵-۱. دلیل ساختوازی و نحوی

پیشوند اشتقاقی فعل در زبان گیلکی ویژگی‌هایی دارد که آن ویژگی‌ها در $\hat{a}$ - نیز هست. ویژگی‌های پیشوند در زبان گیلکی به شرح زیر است:

الف) هر تکوازی به عنوان پیشوند اشتقاقی باشد، آن تکواژ در همه شکل‌های امر، نهی، التزامی، و همه اشخاص ماضی و مضارع یکسان ظاهر می‌شود. پیشوند $\hat{a}$ - نیز چنین است.

جدول ۶: فعل مرکب گیلکی با جزء فعلی پیشوندی

رہا کردن	vel $\hat{a}$. kudan	شکل مصدری
رہا کن	vel $\hat{a}$. kun	امری
رہا نکن	vel $\hat{a}$. nukun	نهی
رہا بکنم	vel $\hat{a}$. kun. əm	التزامی
رہا کردم	vel $\hat{a}$. kud. əm	ماضی ساده
رہا می‌کنم	vel $\hat{a}$. kun. əm	مضارع اخباری

اگر بخواهیم این پیشوند را که در افعال مرکب و اسنادی باقی مانده‌است، با یک فعل مرکب معمولی (یعنی فعل مرکبی که جزء فعلی‌اش پیشوندی نیست)، به عنوان مثال: $\hat{sabr}$ kudan (صبر کردن)، مقایسه کنیم، متوجه این ویژگی خواهیم شد:

جدول ۷: فعل مرکب گیلکی با جزء فعلی ساده

صبر کردن	sabr kudan	شکل مصدری
رہا کن	sabr bu. kun	امری
رہا نکن	sabr nu. kun	نهی
رہا بکنم	sabr bu. kun. əm	التزامی
صبر کردم	sabr bu. kud. əm	ماضی ساده
صبر می‌کنم	sabr kun. əm	مضارع اخباری

همچنان که معلوم است، در جدول ۶، در همه شکل‌ها $\hat{a}$ - حاضر شده، ولی در جدول ۷، به جای آن $\hat{b(v)}$ - ظاهر شده است. از طرفی این $\hat{b(v)}$ - در همه بافت‌ها ظاهر نمی‌شود، اما $\hat{a}$ - در همه بافت‌ها ظاهر شده بود.

ب) در زبان گیلکی، اگر فعل پیشوندی باشد، پیشوند نفی بعد از پیشوند اشتقاقی فعل ظاهر می‌شود (سبزعلی‌پور، ۱۳۹۱ الف: ۲۷۷)؛ مانند:

$\hat{sard}$ $\hat{a}$. kudan (سرد کردن) $\hat{sard}$ $\hat{a}$. nu. kudan (سرد نکردن)

u. sâdøn (برداشتن) u. nâ. sâdan (برنداشتن)

du. kudân (پوشیدن) du. n. kudân (نپوشیدن)

(ج) اگر فعلی در زبان گیلکی پیشوندی باشد، نیازی به حضور پیشوند التزامی، ندارد؛ مانند:

du.kud (می‌پوشد، می‌ریزد، مضارع اخباری) du.kud (می‌پوشد، می‌ریزد، مضارع التزامی)

تفاوت این دو ساخت در فعل‌های پیشوندی فقط با تکیه مشخص می‌شود. در فعل‌های مضارع اخباری تکیه روی ماده فعل؛ ولی در مضارع التزامی تکیه روی پیشوند فعل است. اگر فعل مرکب جزء فعلی‌اش ساده باشد، وند التزامی -b(v) بر سر آن ظاهر می‌شود.

âtəš zəne (آتش می‌زند) âtaš bə. zən. e (آتش بزند، مضارع التزامی)

(د) در زبان گیلکی افعال پیشوندی نیازی به وند امر -b(v) نیست. فعل‌هایی که در آنها این پیشوند ظاهر می‌شود، نیز چنین هستند.

dukudân (پوشیدن) dukun (بیوش)

(ه) هیچ پیشوندی نیست که بر سر همه افعال زبان گیلکی ظاهر شود. مثلاً -ju (قس. ju- kudân) نخ در سوزن کردن) پیشوند است، اما فقط بر سر تعداد خاصی از افعال ظاهر می‌شود. چنین خصیصه‌ای مختص زبان گیلکی نیست. به عنوان مثال در زبان فارسی نیز «در» (قس. در رفتن، فرار کردن) بر سر همه افعال ظاهر نمی‌شود.

(و) هر تکواژی در یک زبان، یا تکواژ دستوری و یا تکواژ قاموسی است. وندها از جمله تکواژهای دستوری (تصریقی و اشتقاقی) هستند. اگر وندی اشتقاقی باشد، باید کارکردی داشته باشد و در ساخت کلمه شرکت کند و کلمه‌ای جدید بسازد. اگر هم تصریفی باشد، در جایگاه‌های مشابه یکسان عمل می‌کند. همانند وند مصدری (به تمام مصدرها یکسان متصل می‌شود) و یا مانند وند نکره «ی» به تمام اسم‌ها می‌تواند متصل شود. کسانی که این پیشوند را به عنوان پیشوند فعلی قبول ندارند، هیچ‌گاه به درستی و با صراحت اشاره نکرده‌اند که این وند اگر پیشوند فعلی نیست، پس چیست و کارکرد و نقشش در دستور زبان گیلکی چیست.

۳-۵-۲. دلایل تطبیقی

زبان‌شناسی تطبیقی^۵ زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی است که در آن، زبان‌ها با هم مقایسه می‌شوند. در این مقایسه از روش تطبیق استفاده می‌شود. در برخی از مواقع، زبان‌شناسی تطبیقی، مترادف و هم‌معنا با زبان‌شناسی تاریخی به کار می‌رود (نیزگوی کهن، ۱۳۹۳: ۲۰۴). هدف زبان‌شناسی تطبیقی این است که ساختار خویشاوندی زبان‌ها را شناسایی کند، تا بتواند بدین وسیله زبان اولیه را بازسازی و نیز تغییراتی را که منجر به پیدایش زبان‌های امروزی شده است را کشف کند.

یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی شمال غربی، زبان‌های حوزه کاسپین است که شامل زبان‌های مازندرانی، گیلکی، سمنانی، تاتی و تالشی می‌شود. اگر قرار است برای بازسازی صورتی از صورت‌های زبانی گیلکی از زبانی کمک بگیریم، آن زبان‌ها، در درجه اول همان زبان‌های هم‌خانواده با گیلکی هستند. در شواهدی که از وجود پیشوند در این زبان‌ها ذکر شد، مشخص گردید این پیشوند به شکل‌های زیر رواج دارد:

^۵ comparative linguistics

جدول ۸: نمونه افعال با پیشوند â- در زبان‌های حوزه کاسپین

مصدر کردن یا انجام دادن	
â. karden	تاتی خلخالی
â. kordan	تاتی رودباری
â. kadren	تالشی جنوبی
â. karde	تالشی مرکزی
â.kudən	گیلکی مرکزی
a. gudan	گیلکی شرقی
a.ʔitan	گیلکی شرقی
o.ʔudan	گیلکی شرقی
hâ. kərdən	مازندرانی (اکبریور، ۱۳۹۴)
hâ. körön	سمنانی (سرخه‌ای)

همان‌طور که در مطالب قبلی نیز ذکر شد، این پیشوند در هم‌خانواده‌های زبان گیلکی به کار گرفته می‌شود، و در گیلکی شرقی نیز به کار می‌رود، پس از نظر تطبیقی هم اگر بخواهیم بررسی کنیم این وندی که در تعدادی از فعل‌های اسنادی و نیز در جزء فعلی افعال مرکب باقی مانده، همان است که در زبان‌های مجاور وجود دارد.

۳-۵-۳. دلایل تاریخی

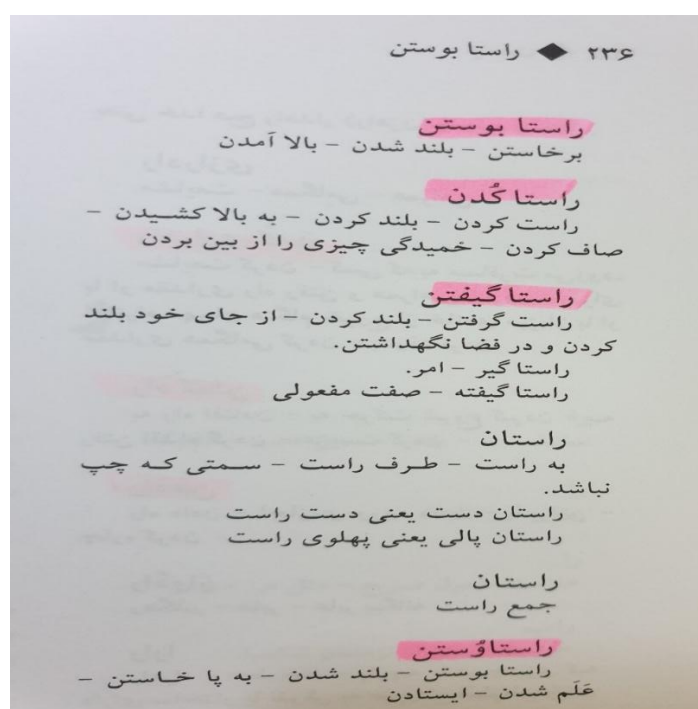
از نظر تاریخی، وندی که در ایرانی باستان وجود داشته، به دوره میانه رسیده و در دوره نو، در زبان فارسی و زبان‌های دیگر ایرانی و همه زبان‌های هم‌خانواده زبان گیلکی به کار می‌رود، نمی‌تواند به یک‌باره از زبان گیلکی (آن هم در بخشی از زبان گیلکی) از بین برود. اگر زبان گیلکی دارای پیشینه‌ای تاریخی باشد، آن پیشینه یقیناً به زبان ایرانی باستان می‌رسد، وقتی از دوره باستان تا دوره نو این پیشوند فعال بوده، یقیناً این وند در گیلکی هم فعال خواهد بود و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. صبوری و بلقیس (۱۳۹۴)، ضمن بررسی ریشه‌شناختی تعدادی از افعال گیلکی به این نتیجه رسیده‌اند که «پیشوندهای اشتقاقی گیلکی غالباً مفهوم اصلی فعل را حفظ کرده و برای تقویت معنی اصلی یا نشان دادن جهت انجام کار، استفاده می‌شوند» (صبوری و بلقیس، ۱۳۹۴: ۲۲). در افعال گیلکی ama:n (آمدن)، ardən (آوردن)، âmutən (آموختن)، پیشوند باستانی â- به کار رفته است (همان).

۳-۶. آسیب‌ها و تبعات ناشناخته ماندن پیشوند â- (و گونه‌های آن) در زبان گیلکی

زبان گیلکی یکی از زبان‌های بزرگ ایرانی است که خود گونه‌ها و گویش‌های مختلفی دارد. شناخت درست و نیز شناساندن آن زبان بر عهده پژوهشگران و زبان‌شناسان است. یکی از اجزای زبان گیلکی فعل‌ها هستند که در هر جمله‌ای ظاهر می‌شوند و یکی از اقسام افعال، فعل‌های پیشوندی هستند. بخش افعال پیشوندی زبان گیلکی در تعدادی از منابع به درستی معرفی نشده است و این امر خود مشکلات زیادی را به وجود آورده است. پیامدهای ناشناخته ماندن این پیشوند در زیر به طور کلی ذکر می‌شود.

۳-۶-۱. ایجاد مشکلات نوشتاری

در زبان گیلکی، متون زیادی تولید شده‌اند که در آنها افعال اسنادی و مرکبی که دربردارندهٔ پیشوند -â هستند، به طور ناقص ثبت شده‌اند. یکی از این متون، فرهنگ‌های گیلکی هستند. در همه یا اغلب فرهنگ‌های گیلکی موجود، این نوع از افعال نادرست ثبت شده‌اند. منظور از نادرست این است که قسمتی از عنصر فعلی به عنصر غیرفعلی مانند اسم و صفت می‌پیوندد و نه تنها کلمه تازه‌ای را ایجاد می‌کند، بلکه خواندن فعل را هم دچار مشکل می‌کند. به عنوان مثال، نمونه‌ای از فرهنگ‌های گیلکی، از این منظر بررسی می‌شود. برای اینکه شکل نوشتار کلمات به درستی نشان داده شود، تصویری از آن‌ها در ادامه می‌آید (شکل ۱).



شکل ۱: نمونه‌ای از نحوه درج فعل پیشوندی مرکب در کتاب فرهنگ واژه‌های گیلکی بخش زاد محمودی (۱۳۸۸)

این روش نوشتن در اغلب فرهنگ‌های گیلکی مرسوم است. به عنوان نمونه، فریدون نوزاد (۱۳۸۱)، در فرهنگ گیلکی «گیله‌گب» عبارتهایی همچون: «آب آکودن» (آب کردن)، «آب آبوستن» (آب شدن)، «سبز آکودن» (سبز کردن)، را به شکل «آبا کودن»، «آبا بوستن»، «سبزا کودن». ثبت کرده‌است. مرادیان گروسی (۱۳۹۵) نیز در فرهنگ گیلکی بوسار، عبارتهای «تورش آکودن»، «پس آگیفتن»، «داغ آبوستن»، را به شکل «تورش کودن»، «پسا گیفتن»، «داغا بوستن» ثبت کرده‌است. در شکل لاتین این کلمات نیز وند -â به بخش غیرفعلی چسبیده است. مانند: sabzâ kudan.

در این روش نوشتاری «تورشا» یک کلمهٔ گیلکی محسوب می‌شود که اصلاً معلوم نیست حرف آخرش به چه معنی است و چه کارکرد و نقش دستوری‌ای دارد، یا «داغا» یک واژهٔ گیلکی محسوب می‌شود که اصلاً معلوم نیست الف آخر آن از کجا آمده و به آن ملحق شده است. همهٔ اینها در حالی است که تعدادی از فرهنگ‌نویسان گیلکی (برای نقد فرهنگ‌های گیلکی نگاه کنید: سبزعلی‌پور، نیک‌گهر ۱۳۹۳ الف). موقع مدخل‌نویسی یا آوانویسی با حروف لاتین، این وند را جدا نوشته‌اند. این جدانویسی وند -â مؤید این نکته است که نویسنده خود واقف به پیشوندی بودن فعل است. مثلاً پایندهٔ لنگرودی در «فرهنگ گیل و دیلم» افعالی این چنین را به شکل زیر ثبت کرده است:

جدول ۹: نمونه‌ای از نحوه ثبت فعل‌های مرکب پیشوندی در فرهنگ گیل و دیلم پاینده لنگرودی در جدول زیر فاصله‌گذاری بین حروف کلمات مطابق منبع مذکور است.

kul .â. gitan	(ص ۱۵۹)	کول. آ. گیتن (روی کول گذاشتن چیزی)
gâz .a. gitan	(ص ۱۵۸)	گاز. آ. گیتن (به دندان گرفتن)
bidâr .â. kudân	(ص ۱۶۳)	بیدار. آ. کودن (بیدار کردن)

همان‌طور که مشخص است، پاینده متوجه پیشوندی بودن این تکواژ شده است، و تا حدی سعی کرده‌است مانند بقیه به شکل «کولا گیتن»، «گازا گیتن» و «بیدارا کودن» ننویسد، با این حال در نوشته‌اش باز این نوع از افعال درست ثبت نشده‌اند.

جدول ۱۰: نمونه‌ای از نحوه ثبت فعل‌های مرکب پیشوندی در فرهنگ واژه‌های گیلکی سرتیپ‌پور ۱۳۶۹

avir a bostân	(ص ۱۲۸)	اویر بوستن (گم شدن)
avir a kudân	(ص ۱۲۸)	اویر کودن (گم کردن)
bâr a kudân	(ص ۱۳۲)	بار کودن (بار کردن)
bâčang a da'n	(ص ۱۳۴)	بچنگ دئن (از دست دادن)
tur a bustân	(ص ۱۶۴)	تور بوستن (متحیر شدن)

همان‌طور که از جدول فوق پیداست، سرتیپ‌پور در چنین مواردی، اصلاً پیشوند فعل را با خط گیلکی ذکر نمی‌کند و فقط با خط لاتین آن را ذکر کرده‌است، یعنی گویا مدخل‌های لاتین در چنین مواردی یک پیشوند -â یا -a بیش از شکل گیلکی‌اش دارد. این خود از یک آشفتگی در گیلکی‌نویسی این شکل از افعال حکایت می‌کند. این گونه نوشتار چندین دهه است که تبدیل به یک سنت شده و اصلاح آن را با مشکلاتی مواجه کرده است.^۶

۳-۶-۲. قطع ارتباط با اصل کلمه

زبان گیلکی یکی از زبان‌هایی است که همانند زبان‌های مجاور خود، قدمت بسیار زیادی دارد و عناصر کهن زبانی در بیشتر بخش‌های این زبان به ویژه بخش واژگان این زبان به خوبی هویداست. با این طرز نوشتن چه به خط فارسی چه با خط لاتین، ریخت اصلی و تاریخی کلمات مخفی می‌ماند. این در حالیست که این پیشوند از دوره باستان در زبان‌های ایرانی مانده و باید به درستی شناسایی و شناسانده شود. این پسوند امروزه در زبان فارسی پیشوندی مرده محسوب می‌شود ولی در گیلکی زنده و فعال است.

۳-۶-۳. دامن زدن به توجیهات عجیب غیرعلمی

وقتی اولین فرهنگ یک زبان نوشته می‌شود، ناخودآگاه تبدیل به یک الگو برای محققین بعدی می‌شود. معلوم نیست به چه انگیزه‌ای و به چه دلیلی در اولین فرهنگ‌ها یا متن‌های گیلکی «ول آکودن» (رها کردن) به شکل «ولا کودن» نوشته شده است، هر چه هست، چنین رسم الخط‌هایی ناخودآگاه به یک سنت نوشتاری تبدیل می‌شوند. وقتی همه یا اغلب فرهنگ‌ها از یک سنت نوشتاری اشتباه پیروی می‌کنند، برای توجیه اشتباه خود، دست به دامن توجیهات غیرعلمی میشوند. جمله

^۶ در زمان نوشتن راهنمای نوشتار گیلکی یا «سرخط» که عده‌ای از نویسندگان و محققان گیلکی، در تابستان ۱۳۹۹ در پژوهشکده گیلان‌شناسی، آن را به طور گروهی نوشتند، مقاومت‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفت تا سرآخر نظر همگان بر آن شد که عبارت‌های مورد نظر اصلاح شوند و عنصر فعلی فعل مرکب به طور درست در جای خودش بیاید. مثلاً: سردا کودن به شکل «سرد آکودن» نوشته شود.

کلیدی و معروفی که در اغلب توجیهات مدافعان این گونه نوشتار شنیده یا خوانده می‌شود، این است «این یک ویژگی در زبان گیلکی است». اما وقتی پرسیده می‌شود: «اگر این ویژگی افعال مرکب گیلکی است که در وسطشان یک -â (یا تکواژگونه‌های دیگرش مثل -a) بیاید، پس چرا در افعالی همچون «صبر کردن»، «بحث کردن» و مانند آن ظاهر نمی‌شود؟»، دست به توجیهات عجیب می‌زنند.

شکری در این زمینه ضمن نقد بخش‌زاد محمودی، می‌نویسد: «در مثال زیر /a/ را قید می‌گیرند:

mi dil tang a bostə. (دل‌م تنگ شده است).

tanga، را قید معرفی می‌کنند و در جمله: حسن اخم کرده است. hasan axm a kudə، «حسن اخم را کرده‌است» ترجمه می‌کنند و ظاهراً آن را با نشانه مفعول صریح گیلکی یکی می‌گیرند و بسیار مبهم می‌نویسند: «که این از خصوصیات گویش گیلکی است» (شکری، ۱۳۸۰: ۱۶۰-۱۶۱، به نقل از بخش‌زاد محمودی، ۱۳۷۳: ۱۷).

پورهادی^۷ (۱۳۹۶)، از کسانی است که برای پیشوند نداشتن این وند، تعبیرات و توجیهات بسیاری آورده‌است. ایشان ضمن رد نظرات کسانی چون کلباسی (۱۳۷۱)، شکری (۱۳۸۰) و سبزی‌پور (۱۳۹۱ الف)، می‌نویسند «زبان گیلکی فاقد ساختار دو پیشوندی است، یعنی به طور هم‌زمان نمی‌تواند در یک جمله هم پیشوند تصریفی بیاید و هم پیشوند قاموسی» (همان: ۲۶۲). این جمله صحیح نیست. در یک جمله گیلکی می‌توان هم‌زمان چندین پیشوند قاموسی و تصریفی آورد. حتی اگر فرض کنیم این اشتباه تایی باشد و منظورش این باشد که در یک فعل، هم پیشوند قاموسی و هم تصریفی نمی‌آید، باز صحیح نیست، چون در فعل «در نمی‌رود» زبان فارسی و نیز «du. nə. kun. əm» (نمی‌پوشم) گیلکی، هم پیشوند قاموسی وجود دارد، هم تصریفی. در جایی دیگر گفته است: «-â می‌تواند صورت‌ساز باشد مانند: سراسر، دما دم» (همان: ۲۶۲-۲۶۳)، درحالی‌که اینها صفت هستند و فعل نیستند. در جایی دیگر نوشته‌است: «-â در مواردی مقوله‌ساز (?) است». ایشان خود نیز سرآخر از آن توجیهات راضی نشده و نوشته‌است: «به هر حال تبیین نقش -â در فعل مرکب گیلکی هنوز دارای ابهاماتی است که نیازمند پژوهش گسترده‌تری است» (همان: ۲۶۳).

۴. نتیجه‌گیری

از مجموع نکات این پژوهش برمی‌آید که در زبان گیلکی نیز، همانند دیگر زبان‌های ایرانی هم‌جوار و هم‌ریشه‌اش مانند زبان‌های مازندرانی، سمنانی، تالشی و تاتی، پیشوند فعلی -â (و گونه‌های دیگر آن مانند a- و u-) وجود دارد و در بسیاری از افعال اسنادی و مرکب نمود می‌یابد. این پیشوند، همانند سایر پیشوندها، به گونه‌ای نیست که در تمام افعال یک زبان ظاهر شود، بلکه تنها در شماری از افعال به کار رفته و تا به امروز نیز در همان افعال باقی مانده است. تمام شرایطی که بر دیگر پیشوندهای زبان گیلکی حاکم است، در مورد این پیشوند نیز صادق است.

پیشوند -â از دوره باستان در زبان‌های ایرانی وجود داشته و به احتمال زیاد، همان پیشوند فعلی دوره باستان است که معنای حرکت به سوی گوینده را القا می‌کرده است. ناشناخته ماندن این پیشوند نزد گویشوران گیلکی زبان در آغاز دوره نوشتار به این زبان، موجب بروز مشکلاتی شده است؛ از جمله اینکه این وند، که در فعل‌های اسنادی و مرکب باید به فعل بپیوندد،

^۷ ایشان این مطلب را در پایان کتاب توصیف ساختمان فعل و مصدر در زبان گیلکی، با عنوان «فعل مرکب گیلکی» آورده‌اند و در عین حال، همان مطلب را یک سال بعد (۱۳۹۷) در مجله پژوهش‌هایی درباره کرانه‌های جنوبی دریای کاسپین، دفتر نخست، صفحات ۱۱۵ تا ۱۲۶، با همان عنوان به چاپ رساندند. وی در سال ۱۳۹۸ نیز، همان مطلب را بدون هیچ تغییری، در مجله گیلان‌نامه، جلد دهم، صفحات ۲۹ تا ۴۰، تحت عنوان «فعل مرکب گیلکی» منتشر کرده است. برای نقد کتاب زبان گیلکی از پورهادی، نگاه کنید به: سبزی‌پور (۱۳۹۲ ب)، «نقد و بررسی زبان گیلکی»، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، دوره جدید، شماره ۲، صفحات ۲۰۱ تا ۲۱۶.

به اشتباه به بخش غیرفعلی الصاق می‌شود. نویسندگان گیلکی زبان نیز که به این شیوه نوشتار عادت کرده‌اند، برای توجیه آن، به تعبیرات و توضیحاتی گاه نادرست و پیچیده متوسل شده‌اند.

شناخت صحیح و ثبت درست این پیشوند، نه تنها به بازشناسی و حفظ شکل کهن و صحیح واژه کمک می‌کند، بلکه موجب می‌شود در بررسی نکات دستوری نیز تحلیل‌های روشنی ارائه شود و از ورود تفسیرهای نادرست و توجیهات ناپذیرفتمنی به کتاب‌های دستور زبان گیلکی جلوگیری شود.

تعارض در منافع

تعارض منافی بین نویسندگان وجود ندارد.

منابع مالی

منابع مالی این پژوهش از طریق مشارکت نویسندگان تأمین شده است.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳). دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: سمت.
- اکبرپور، جعفر (۱۳۹۴). گنجینه گویش‌های ایرانی، استان مازندران (جلد ۱ و ۲). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- علیزاده جوانی، علی (۱۳۸۹). نخستین فرهنگ تاتی در رودبار، رستم‌آباد و رحمت‌آباد. رشت: فرهنگ ایلیا.
- بخش‌زاد محمودی، جعفر (۱۳۸۸). فرهنگ واژگان گیلکی با تأکید بر گویش‌های مرکزی و غربی گیلان. رشت: گیلاکان.
- برهانی‌نیا، کوروش (۱۳۹۶). فرهنگ تاتی (رودباری). رشت: فرهنگ ایلیا.
- پاینده لنگرودی، محمود (۱۳۷۵). فرهنگ گیل و دیلم، فارسی به گیلکی. تهران: امیرکبیر.
- پورهادی، مسعود (۱۳۹۶). شرح ساختار فعل و مصدر در زبان گیلکی. رشت: فرهنگ ایلیا.
- پورهادی، مسعود (۱۳۹۸). «فعل مرکب گیلکی»، پژوهش‌هایی درباره سواحل جنوبی دریای خزر، کتاب اول، به کوشش یزدان‌پناه لیموکی، صص ۱۱۵-۱۲۶.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۸۰). «واژه‌سازی در برخی واژه‌های گیلکی»، نامه فرهنگستان، (۱۷)، ۱۶۲-۱۷۰.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ذاکری، محمدصالح (۱۳۹۸). «چرا مازندرانی‌ها زبان خود را گیلکی می‌نامند»، پژوهش‌های زبان‌شناسی و ادبی قفقاز و خزر، (۳)، ۳۶۳-۳۶۴.
- رحمانی، ایرج (۱۳۹۶). شرح ساختار فعل در گویش تاتی تاکستان و منطقه بوئین زهرا. تهران: گیوا.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۶). زبان تالشی (شرح گویش مرکزی). رشت: فرهنگ ایلیا.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و ابراهیم خادمی ارده (۱۳۸۷). فرهنگ موضوعی تالشی به زبان فارسی. دانشگاه گیلان، رشت.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و دایان، مهدی (۱۳۸۸). «افعال پیشوندی در آثار نثر فارسی»، دستور، شماره ویژه فرهنگستان، شماره ۵، صص ۲۷-۵۰.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۵). راهنمای زبان پارتی (پهلوی اشکانی). تهران: فونیکس.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). تاریخ زبان‌های ایرانی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سامعی (گیلانی)، احمد (۱۳۸۰). «پسوندها در گویش گیلکی و روش‌های شناخت آن‌ها»، مجموعه مقالات نخستین همایش زبان‌شناسی گویشی ایران، به کوشش حسن رضایی باغبیدی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۲۸۵-۲۹۹.

- سبزی‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۸۹). زبان تاتی، شرح گویش رودبار تاتی. رشت: فرهنگ ایلیا.
- سبزی‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۹۱). فرهنگ تاتی. رشت: فرهنگ ایلیا.
- سبزی‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی. رشت: دانشگاه گیلان.
- سبزی‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۹۲). «تقد و بررسی زبان گیلکی»، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، شماره ویژه فرهنگستان، ۲، ۲۰۱-۲۱۶.
- سبزی‌علی‌پور، جهان‌دوست و نیک‌گوهر، سیده فاطمه (۱۳۹۲). «فرهنگ‌نامه‌نویسی گویشی (مطالعه موردی: بررسی فرهنگ‌های گیلکی)»، زبان‌پژوهی، ۱۱(۱)، ۹۶-۶۵.
- ستوده، منوچهر (۱۳۹۵). فرهنگ گیلکی، چاپ دوم. رشت: فرهنگ ایلیا.
- سرتیپ‌پور، جهانگیر (۱۳۶۹). ویژگی‌های دستوری و فرهنگ‌های لغت گیلکی. رشت: گیلکان.
- سرمست دستک، داوود (۱۳۷۱). «گویش گیلکی حسن‌کیاده (کیاشهر)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی.
- شکری، گیتی (۱۳۸۰). «بررسی برخی تغییرات در افعال مرکب و اسناد گویش گیلکی»، فرهنگ، ۳۸(۳۷)، ۱۵۹-۱۶۸.
- شکری، گیتی (۱۳۸۵). گویش رامسری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صبوری، نرگس‌بانو و روشن، بلقیس (۱۳۹۴). افعال گیلکی. رشت: فرهنگ ایلیا.
- فخرو، علی‌اکبر، اسماعیلی، عصمت (۱۳۸۹). دستور زبان گویش سرخه‌ای. دانشگاه کاشان.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱). «تنوع لهجه‌ها در گویش گیلکی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۴(۴)، ۹۳۴-۹۶۷.
- میرادیان‌گروسی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). فرهنگ بوسار. رشت: فرهنگ ایلیا.
- مرعشی، احمد (۱۳۸۲). واژه‌نامه گویش گیلکی: به انضمام اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های گیلکی. چاپ دوم. رشت: انتشارات طاعتی.
- نصرتی سیاه‌مزی، علی (۱۳۹۶). فرهنگ تالشی: واژگان و ترکیبات تالشی جنوبی. رشت: فرهنگ ایلیا.
- نیزگو کهن، مهرداد (۱۳۹۳). فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی تاریخی با همکاری شادی داوری، تهران: انتشارات علمی.
- نوزاد، فریدون (۱۳۸۱). گیلک‌ب. رشت: دانشگاه گیلان.
- یارشاطر، احسان (۱۳۵۴). «آذری»، در دایرةالمعارف ایران و اسلام، تهران: شرکت کتاب نشر و ترجمه، صص ۶۱-۶۹.

Abolhasemi, M. (2004). *Historical grammar of Persian language*. Tehran: Samat. (in Persian)

Akbarpour, J. (2015). *The treasure of Iranian dialects: Mazandaran Province (Vols. 1 & 2)*. Tehran: Academy of Persian Language and Literature. (in Persian)

Alizadeh Jobani, A. (2010). *The first dictionary of Tati in Rudbar, Rostamabad and Rahmatahad*. Rasht: Iliya Culture. (in Persian)

Bakhshzad Mahmoudi, J. (2009). *Dictionary of Gilaki words with a focus on central and western dialects of Gilan*. Rasht: Gilakan. (in Persian)

Borhani Nia, K. (2017). *Dictionary of Tati (Rudbari)*. Rasht: Iliya Culture. (in Persian)

Christensen, A. (1995). *Gilaki dialect of Rasht* (K. Khomamizadeh, Trans. & Annot.). Tehran: Soroush. (Original work published in 1935) (in Persian)

Christensen, A. (2010). *Semnan dialect: A study on Semnan grammar with dictionary and some texts, and a look at the dialects of Sangsar and Lasgerd* (E. Ebrahimian, Trans.; H. R. H. Tavakoli, Ed.). Kashan: University of Kashan. (in Persian)

- Fakhroo, A. A., & Ismaili, E. (2010). *The grammar of the Sorkheyi dialect*. Kashan : University of Kashan. (in Persian)
- Hassandoost, M. (2001). Derivation of some Gilaki words. *Farhangistan s Letter*, (17), 162-170. (in Persian)
- Hassandoost, M. (2014). *Etymological culture of Persian language*. Tehran : Academy of Persian Language and Literature. (in Persian)
- Jackson, A. V. W. (2005). *Avesta grammar and reader with an introduction in Persian* (H. R. Bagbidi, Trans.). Tehran : Asatir-e Iran. (Original work published 1879) (in Persian)
- Kalbasi, I. (1992). Variety of dialects in the Gilaki dialect. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad*, (4), 934-967. (in Persian)
- Lukok, P. (2004). *Guide to Persian languages* (Vols. 1-2; H. R. Baghbidi, Ed. & Trans.). Tehran : Ghoghnoos. (in Persian)
- Mar'ashi, A. (n.d.). *Dictionary of Gilaki dialect including Gilaki idioms and proverbs* (2nd ed.). Rasht : Ta'ati. (in Persian)
- Moradian Grossi, A. A. (2016). *Dictionary of Busar*. Rasht : Iliya Culture. (in Persian)
- Naghzgo Kohan, M. (2014). *Descriptive culture of historical linguistics*. Tehran : Elmi Publications. (in Persian)
- Kent, R. G. (1953). *Old Persian grammar, text, lexicon*. New Haven : American Oriental Society.
- Nosrati Siahmzegi, A. (2017). *Dictionary of Taleshi: Words and compounds of southern Taleshi*. Rasht : Iliya Culture. (in Persian)
- Nowzad, F. (2002). *Gile Gab*. Rasht : University of Guilan. (in Persian)
- Payande Langeroudi, M. (1996). *Farhang-e Gil va Deylam: Persian to Gilaki*. Tehran : Amirkabir. (in Persian)
- Pourhadi, M. (2017). *Description of verb structure and infinitive in Gilaki language*. Rasht : Iliya Culture. (in Persian)
- Pourhadi, M. (2019). Gilaki compound verb. In Y. Limoki (Ed.), *Researches on the southern shores of the Caspian Sea* (Book 1, pp. 115-126). (in Persian)
- Rahmani, I. (2017). *Description of verb structure in Tati Takestan dialect and Buin Zahra region*. Tehran: Giva. (in Persian)
- Rezaei Baghbidi, H. (2006). *Party language guide (Parthian Pahlav)*. Tehran : Phoenix. (in Persian)
- Rezaei Baghbidi, H. (2009). *History of Iranian languages*. Tehran : Center of the Great Islamic Encyclopedia. (in Persian)
- Rezayati Kishekhaleh, M. (2007). *Taleshi language: Description of the central dialect*. Rasht : Iliya Culture. (in Persian)
- Rezayati Kishekhaleh, M., & Dayyan, M. (2009). Prefix verbs in Persian prose works. *Grammar, Academy Special Issue* (5), 27-50. (in Persian)
- Rezayati Kishekhaleh, M., & Khademi Ardeh, E. (2008). *Thematic dictionary of Taleshi in Persian*. Rasht : University of Guilan. (in Persian)
- Saburi, N., & Roshan, B. (2015). *Gilaki verbs*. Rasht : Iliya Culture. (in Persian)
- Sabzalipour, J. (2010). *Tati language: Description of Tati Rudbar dialect*. Rasht : Iliya Culture. (in Persian)
- Sabzalipour, J. (2012). *Tati dictionary*. Rasht : Iliya Culture. (in Persian)
- Sabzalipour, J. (2012a). *A comparative study of verb construction in Tati, Talshi, and Gilaki dialects* [Unpublished master's thesis]. University of Guilan. (in Persian)

- Sabzalipour, J. (2013b). Critique and study of the Gilaki language. *Iranian Languages and Dialects*, Special Issue of the Academy, New Volume 2, 201-216. (in Persian)
- Sabzalipour, J., & Nikgozar, S. F. (2013a). Dialectal lexicography (Case study: Review of Gilaki dictionaries). *Zaban Pazhuhi*, 6(11), 65-96. (in Persian)
- Samiei (Gilani), A. (2002). Prefixes in Gilaki dialect and ways of recognizing them. In H. Rezaei Baghbidi (Ed.), *Proceedings of the First Iranian Dialectology Symposium (May 9-11, 2001)* (pp. 285-299). Tehran: Academy of Persian Language and Literature. (in Persian)
- Sarmast Dastak, D. (1992). *Gilaki dialect of Hassankiadeh (Kiahshahr)* (Master's thesis). Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. (in Persian)
- Sartippour, J. (1990). *Grammatical characteristics and dictionaries of Gilaki*. Rasht: Gilakan. (in Persian)
- Shokri, G. (2001). Study of some changes in compound verbs and documents of Gilaki dialect. *Farhang*, 37-38, 159-168. (in Persian)
- Shokri, G. (2006). *Ramsari dialect*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Sotoudeh, M. (2016). *Gilaki dictionary* (2nd ed.). Rasht: Farhang Iliya. (in Persian)
- Stilo, D. L. (2018). The Caspian region and South Azerbaijan: Caspian Tatic. In G. Haig & G. Khan (Eds.), *The languages and linguistics of Western Asia: An areal perspective* (pp. 659-824). Berlin: De Gruyter Mouton.
- Stilo, D. (2001). Gilan, ix. Languages. In E. Yarshater (ed.), *Encyclopædia Iranica*, Vol. 10, Fasc 6: Germany VI.-Gindaros (pp. 660-668). Bibliotheca Persica Pr.
- Rastorgueva, V. S., Kerimova, A. A., Mamedzade, A. K., Pireiko, L., & Edel'man, D. (2012). *The Gilaki language* (R. M. Lockwood, Ed. & Trans.). Upsala Universitet: Acta Universitatis Upsaliensis.
- Yarshater, E. (1969). *A grammar of Southern Tati dialects*. The Hague: Mouton.
- Yarshater, E. (1975). Azeri. In *Encyclopedia of Iran and Islam* (pp. 61-69). Tehran: Book Publishing and Translation Company. (in Persian)
- Zakeri, M. S. (2019). Why Mazandaranians call their language Gilaki. *Linguistic-Literary Research of the Caucasus and Caspian*, 1(3), 363-364. (in Persian)